



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

گرایش فلسفه

عنوان

حرکت حبّی از دیدگاه ابن عربی و مقایسه آن با حرکت جوهری صدرا

استاد راهنما

دکتر مهدیه سادات مستقیمی

دکتر فرح رامین

نگارنده

شهناز حسین نوری

زمستان

۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدا را که توفیق کسب علم و دانش و معرفت را به ما عطا فرمود

با تشکر از اساتید گرامی استاد فرح رامین و استاد مهدیه سادات مستقیمی که این جانب را

در انجام این پژوهش و نگارش پایان نامه راهنمایی کرده‌اند و با راهنمایی آنها به فضل خدا

توانستم این مهم را به سرانجام برسانم و با تشکر از تمامی اساتید محترمی که در دوره

کارشناسی ارشد مرا در تحصیل علم و معرفت یاری نمودند.

هم چنین با تشکر از همسر و فرزندانم که در این مدت دوری مرا تحمل کرده و در

این راه من را یار و یاور بوده‌اند.

چکیده

صدرالمتألهین معروف به ملاصدرا فیلسوف بزرگ قرن دهم هجری، با نظریه حرکت جوهری و با نتایج فلسفی که بر پایه حرکت جوهری به آن دست یافت تحولات عظیمی را در فلسفه به وجود آورده و گره بسیاری از مسائل پیچیده فلسفی را گشود. از نظر او حرکت جوهری امری نیست که در چارجوب تعریف ارسطویی از حرکت یعنی با در نظر داشتن مفاهیم خاص ارسطویی «قوه» و «فعل» معنا پیدا کند. بلکه حرکت جوهری حرکتی وجودی است وی با توجه به مساوقت وجود با حیات، به معنایی از حرکت دست یافت، که حاکی از حرکت به معنای، حیات و عشق به کمال است. و این جنبه‌ی حرکت جوهری را می‌توان با معنایی از حرکت حبّی یکی دانست. حرکت حبّی که عارف بزرگ قرن ششم محی الدین ابن عربی، بنای آن را پی ریزی کرد را می‌توان جریان تجلی ناشی از حبّ ظهور و اظهار دانست که در همه اسماء الهی و همه ارکان عالم ساری است. بر اساس آموزه حرکت حبّی، اساس آفرینش برعشق و حبّ الهی استوار است؛ حبّی که حق به ذات خویش داشت و گنجی پنهان بود که خواست آشکار شود. حدیث قدسی کنز بیانگر حرکتی است که محور جریان و سریان هستی است حرکت حبّی حرکتی بر پایه دو قوس نزول و صعود است که در طی این دو مرحله کمالات خدا در انسان کامل، که اساس آفرینش است تجلی می‌کند. در این تحقیق با مروری بر حرکت از منظر دو فیلسوف و عارف بزرگ اسلام، ملاصدرا و ابن عربی - دو نظریه پرداز در فلسفه و عرفان - حرکت جوهری و حرکت حبّی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ابن عربی، ملاصدرا، حرکت حبّی، حرکت جوهری، عشق

فهرست مطالب

۱۳.....	مقدمه.....
۱۵.....	تبیین مسأله.....
۱۶.....	سوال های تحقیق.....
۱۶.....	فرضیه ها.....
۱۷.....	پیشینه تحقیق.....
۱۸.....	خلاصه فصول.....
۱۹.....	فصل اول کلیات
۲۰.....	مقدمه.....
۲۱.....	۱-۱-حیات علمی ملاصدرا.....
۲۲.....	۱-۱-۱-آثار و تألیفات.....
۲۲.....	۲-۱-حیات علمی ابن عربی.....
۲۴.....	۱-۲-۱-تأثیر پذیری عارفان ایرانی از آراء ابن عربی.....
۲۵.....	۲-۲-۱-آثار و تألیفات.....
۲۵.....	۳-۲-۱-تأثیرات ابن عربی بر ملاصدرا.....
۲۷.....	۳-۱-جایگاه بحث حرکت.....
۲۸.....	۴-۱-منشأ حرکت.....
۳۱.....	۵-۱-سیر تاریخی حرکت.....

- ۳۲.....۱-۵-۱-نظریه اول
- ۳۳.....۱-۵-۲-نظریه دوم
- ۳۴.....۱-۵-۳-نظریه سوم
- ۳۴.....۱-۵-۴-نظریه چهارم
- ۳۵.....۱-۶-تغییر
- ۳۶.....۱-۶-۱-اقسام تغییر
- ۳۶.....۱-۶-۱-۱-تغییر زمانی و تدریجی
- ۳۶.....۱-۶-۱-۲-تغییر آنی و دفعی
- ۳۷.....۱-۶-۱-۳-کون و فساد
- ۳۹.....۱-۷-قوه و فعل
- ۴۰.....۱-۸-تعریف حرکت
- ۴۰.....۱-۸-۱-حرکت در عرفان
- ۴۱.....۱-۸-۲-حرکت در فلسفه
- ۴۲.....۱-۸-۲-۱-حرکت از نظر افلاطون
- ۴۲.....۱-۸-۲-۲-حرکت از نظر فیثاغورث
- ۴۳.....۱-۸-۲-۳-حرکت از نظر ارسطو
- ۴۳.....۱-۸-۲-۴-حرکت از نظر فارابی

- ۴۴.....۱-۸-۲-۵-حرکت از نظر ابن سینا.....
- ۴۵.....۱-۸-۲-۷-حرکت از نظر سهروردی.....
- ۴۵.....۱-۸-۲-۸-حرکت از نظر ملاصدرا.....
- ۴۶.....۱-۹-حرکت در مقوله.....
- ۴۸.....۱-۹-۱-نفی حرکت در مقوله جوهر.....
- ۴۸.....۱-۹-۲-نفی حرکت در مقوله اضافه و جده.....
- ۴۸.....۱-۹-۳-نفی حرکت در مقوله متی.....
- ۴۹.....۱-۹-۴-نفی حرکت در مقوله فعل و انفعال.....
- ۵۰.....۱-۱۰-اقسام حرکت.....
- ۵۱.....۱-۱۰-۱-تقسیم حرکت به اعتبار مبدأ و منتهاء.....
- ۵۱.....۱-۱۰-۲-تقسیم حرکت به اعتبار تقسیم مسافت.....
- ۵۲.....۱-۱۰-۳-تقسیم حرکت به اعتبار تقسیم موضوع.....
- ۵۳.....۱-۱۰-۴-تقسیم حرکت از حیث جوهر و عرض.....
- ۵۳.....۱-۱۰-۵-تقسیم حرکت از حیث معنا.....
- ۵۵.....۱-۱۰-۶-حرکت اشتدادی.....
- ۵۸.....نتیجه.....
- ۵۹.....فصل دوم حرکت جوهری.....

مقدمه.....	۶۰
۱-۲-پیشینه بحث حرکت جوهری.....	۶۱
۲-۲-جوهر.....	۶۱
۱-۲-۲-جوهر در اصطلاح فلسفه یونانی.....	۶۲
۲-۲-۲-جوهر از دیدگاه ارسطو.....	۶۳
۲-۲-۲-جوهر در اصطلاح فلسفه اسلامی.....	۶۵
۱-۲-۲-۲-جوهر از دیدگاه فارابی.....	۶۵
۲-۲-۲-۲-جوهر از دیدگاه ابن سینا.....	۶۵
۳-۲-۲-۲-جوهر از دیدگاه سهروردی.....	۶۷
۴-۲-۲-۲-جوهر از دیدگاه ملاصدرا.....	۶۹
۳-۲-معنای حرکت جوهری.....	۶۹
۱-۳-۲-آیات مبتنی بر حرکت جوهری.....	۷۲
۴-۲-ثابت و متغیر.....	۷۳
۵-۲-مبانی حرکت جوهری.....	۷۴
۱-۵-۲-اصالت وجود.....	۷۵
۲-۵-۲-تشکیک وجود.....	۷۶
۶-۲-دلایل اثبات حرکت جوهری.....	۷۷

- ۷۸.....دلیل اول ۱-۶-۲
- ۸۰.....دلیل دوم ۲-۶-۲
- ۸۱.....دلیل سوم ۳-۶-۲
- ۸۱.....دلیل چهارم ۴-۶-۲
- ۸۲.....دلیل پنجم ۵-۶-۲
- ۸۳.....شبهات حرکت جوهری ۷-۲
- ۸۴.....شبهه اول ابن سینا ۱-۷-۲
- ۸۵.....پاسخ ملاصدرا ۱-۱-۷-۲
- ۸۵.....شبهه دوم ابن سینا ۲-۷-۲
- ۸۶.....پاسخ ملاصدرا ۱-۲-۷-۲
- ۸۸.....موضوع حرکت ۲-۲-۷-۲
- ۸۸.....دلایل نیازمندی حرکت به موضوع ۳-۲-۷-۲
- ۸۹.....شبهه سوم: ربط متغیر به ثابت ۳-۷-۲
- ۹۱.....پاسخ ملاصدرا ۱-۳-۷-۲
- ۹۱.....نتایج نظریه حرکت جوهری ۸-۲
- ۹۱.....اثبات واجب الوجود ۱-۸-۲
- ۹۲.....اثبات صور مفارق ۲-۸-۲
- ۹۳.....مسأله ربط حادث به قدیم یا متغیر به ثابت ۳-۸-۲

- ۹۴.....۲-۸-۴ اثبات استمرار فیض یا خلق مدام.....
- ۹۵.....۲-۸-۵ اثبات حدوث زمانی عالم.....
- ۹۶.....۲-۸-۶ نفس و کیفیت اتحاد آن با بدن.....
- ۹۷.....۲-۸-۷ ابطال تناسخ.....
- ۹۸.....۲-۸-۸ اثبات معاد جسمانی.....
- ۹۹.....نتیجه.....
- ۱۰۰.....فصل سوم حرکت حَبّی.....
- ۱۰۱.....مقدمه.....
- ۱۰۲.....۳-۱ سیر تطوّر شکل گیری حرکت حَبّی.....
- ۱۰۴.....۳-۲ تعریف عرفا از حرکت.....
- ۱۰۶.....۳-۳ تحلیل معنا و ماهیت حَبّ.....
- ۱۰۸.....۳-۴ تعریف حرکت حَبّی.....
- ۱۱۱.....۳-۴-۱ سه تحلیل ابن عربی پیرامون حَبّ ذاتی.....
- ۱۱۳.....۳-۵ تحلیلی از خاستگاه حرکت حَبّی.....
- ۱۱۴.....۳-۶ حرکت حَبّی و سریان عشق.....
- ۱۱۵.....۳-۶-۱ سریان عشق و عشق فطری انسان به خدا.....
- ۱۱۶.....۳-۶-۲ سریان عشق در موجودات.....
- ۱۲۰.....۳-۷ حرکت حَبّی و مراتب تجلّی.....

- ۱۲۱.....۱-۷-۳ حرکت حبّی در مراتب تجلّی
- ۱۲۱.....۸-۳ حرکت حبّی و ظهور حضرات خمس
- ۱۲۲.....۱-۸-۳ حضرت اول (غیب مطلق)
- ۱۲۳.....۱-۱-۸-۳ مراتب احدیت
- ۱۲۳.....۲-۱-۸-۳ مرتبه واحدیت یا تعین ثانی
- ۱۲۴.....۳-۱-۸-۳ ترتیب مراتب ظهورات هستی تحت تأثیر حرکت حبّی
- ۱۲۵.....۲-۸-۳ حضرت دوم (مرتبه ارواح)
- ۱۲۵.....۳-۸-۳ حضرت سوم (مرتبه مثال)
- ۱۲۶.....۴-۸-۳ حضرت چهارم (مرتبه عالم اجسام)
- ۱۲۶.....۵-۸-۳ حضرت پنجم (مرتبه انسان کامل)
- ۱۲۶.....۹-۳ مراحل حرکت حبّی
- ۱۲۷.....۱-۹-۳ حرکت حبّی در قوس نزول
- ۱۲۸.....۲-۹-۳ حرکت حبّی در قوس صعود
- ۱۳۰.....۱۰-۳ مسیر حرکت حبّی
- ۱۳۱.....۱۱-۳ حرکت حبّی و فنا
- ۱۳۳.....۱۲-۳ حرکت حبّی و انسان کامل
- ۱۳۴.....۱-۱۲-۳ نقش محوری انسان کامل در آغاز و انجام حرکت حبّی
- ۱۳۷.....۲-۱۲-۳ تطبیق انسان کامل بر امام

- ۱۳۹.....مناسبات نظریه حرکت حَبّی با آیات و روایات
- ۱۴۲.....شرح نکات عرفانی حدیث قدسی کنز.....
- ۱۴۷.....نتیجه.....
- ۱۴۸.....جمع بندی مطالب و نتیجه نهایی.....
- ۱۵۵.....فهرست منابع.....

مقدمه

بحث از حرکت از مباحثی است که از گذشته‌های دور ذهن متفکران را به خود مشغول داشته است شاید به این دلیل که حرکت در این عالم بیش از هر چیز دیگری مشهود است. در این باره آرا گوناگونی بیان شده است: گروهی وجود حرکت را از اساس منکر شدند، و آن را به سکونات پیایی تفسیر کردند. در مقابل این گروه اندک، قاطبه حکماء قائل به اصل وجود حرکت بوده‌اند و هستند، لکن در تعریف آن و نحوه وجودش اختلاف نظر داشته‌اند. در تعاریفی که فیلسوفان از حرکت ارائه دادند، معمولاً از دو اصطلاح «قوه» و «فعل» استفاده شده است. ساده‌ترین این تعریف‌ها، تعریف حرکت به «خروج تدریجی از قوه به فعل» است. این نوع تعریف از حرکت، فقط در عالم ماده صادق است، که قوه و رسیدن به فعلیت و کمال، در آن امکان پذیر است.

فلاسفه قبل از ملاصدرا حرکت را منحصر در اعراض و ظواهر اشیا می‌دانستند و حرکت در جوهر و ذات اشیا را انکار می‌کردند. اما صدرالمتألهین شیرازی، پایه گذار حکمت متعالیه، حرکت را در جوهر اشیا می‌داند و سیلان را لازمه‌ی عالم مادی معرفی می‌کند. ملاصدرا بر اساس این نظریه تفسیر نوینی از حرکت ارائه داده به طوری که با تفسیر ارسطو و ابن سینا - دو فیلسوف بزرگ در تاریخ فلسفه - از حرکت متفاوت است. بر مبنای حرکت جوهری تغییراتی که صور نوعیه پیدا می‌کنند، تغییرات دفعی و به نحو کون و فساد نیست بلکه تغییرات تدریجی است.

صدرالدین شیرازی با طرح نظریه حرکت جوهری، بحث حرکت در فلسفه را به ساحت مابعدالطبیعه‌ی بسیار عمیق‌تری از آنچه در گذشته بوده است، می‌رساند. بر مبنای "اصالت وجود" و "تشکیک وجود" با براهین گوناگون حرکت عام و بنیادین عالم مادی را اثبات می‌کند؛ و بر پایه آن برای بسیاری از مسائل فلسفی پاسخ‌های راه‌گشایی عرضه می‌نماید.

از دیدگاه فلاسفه، اگر شیئی از قوه به فعل برسد-تغییر تدریجی- آن شیئی تکامل پیدا کرده است. حرکت جوهریه ملاصدرا نیز با این تعریف، بیانگر وجود تکامل در اشیاست، چرا که در حرکت جوهری، که حرکت در گوهر و ذات شیئی است، شیئی در هر مرحله‌ای از مراحل وجودی

خود، استعدادها و قوه‌اش تبدیل به فعل می‌شود؛ و شی در مرحله جدید، به کمال بالاتری نسبت به مرحله پیشین می‌رسد.

در چنین حرکتی، یک حقیقت جوهری در تبدلات نهادی و تکاملی خود می‌تواند مراتب انواع مختلفی از جماد و نبات و حیوان را بپیماید تا به کمال خود برسد و این بر مبنای سیر صعودی است. با این همه، حرکت جوهری نمی‌تواند مبنای قوس صعودی باشد؛ چون حرکت جوهری تنها در جهان ماده پذیرفتنی و پاسخگوست، در حالی که قوس صعود، مراحل و مراتبی فراتر از جهان ماده را نیز دربردارد.

بنابراین، اساس حرکت در کل هستی باید نیروی دیگری باشد که همان جاذبه و کششی است که بین حق تعالی و موجودات وجود دارد. که از نظر عرفا، این جاذبه عشق است که عشق اساس هستی است. عشقی که از دیدگاه عرفای بزرگ مطرح شده و منظور آنان یک حرکت وسیع در جهان خلقت است که همه موجودات در فضای این عشقی قرار دارند که از سوی خدا است. عارف بزرگ اسلامی، محی الدین ابن عربی این حرکت را، حرکت حبّی نامید. حرکت حبّی مظهر تجلّی و ظهور است سریان حبّ در هستی با توجه به حدیث کنز «گنجی مخفی بودم دوست داشتم که شناخته شوم...» برپایه تجلّی اسماء الهی و ظهور آنها در انسان کامل است. انسان کامل در این حرکت در قوس نزول به عالم ماده هبوط می‌کند. انسان کاملی که به خاطر اوست که حق تعالی عالم و آدم را آفریده است و به واسطه‌ی وی فیض وجود از حق تعالی به افراد انسانی می‌رسد.

بر پایه حرکت حبّی نباید حیات، شعور و حرکت را منحصر در انسان دانست و عالم را مجموعه‌ای فاقد شعور تصور کرد. در مبانی نظری حرکت حبّی، باید به حیات باطنی و ساری در عالم توجه داشت.

بیان مسأله

در طول تاریخ ذهن بشر در گیر مسأله تغییر به طور عام، و حرکت به طور خاص بوده است. انسان به طور محسوس تغییرات در طبیعت را دیده، و به وجود خارجی حرکت اذعان داشته است.

حکما از دوران باستان در باره تغییر و حرکت نظراتی بیان کرده‌اند؛ و به علت محسوس بودن حرکت در عرض عموماً متفق به حرکت عرضی بودند، و حرکت و تحول در جوهر را امری نامعقول می‌دانستند.

فلاسفه مشاء از جمله ابن سینا با صراحت به نفی حرکت در جوهر پرداختند و شبهاتی مطرح کردند. بر این اساس که چیزی که موهم حرکت ممتد جوهری است، فاقد امتداد، بلکه امری منقطع و پراز فواصل است که در تحت تصرف نیرویی خارج از قلمرو طبیعت قرار دارد.

ملاصدرا با نظریه حرکت جوهری بن بست‌هایی را گشود و بسیاری از مشکلات فلسفی از جمله: معاد جسمانی، ابطال تناسخ، را با حرکت جوهری اثبات کرد. وی حرکت را چیزی جز تجدید و تجدّد مداوم عالم در هر لحظه نمی‌داند و به این نتیجه می‌رسد که نه تنها در اعراض، بلکه در جوهر عالم نیز، هموار حرکت و جنبشی دائمی است.

حرکت در عرض که فلسفه مشاء آن را باور دارد، در پاسخ گویی به بسیاری از پرسش‌های بنیادین ناتوان است. حرکت جوهری هم گرچه بسیاری از بن بست‌ها را بر روی فیلسوفان گشود ولی در تحلیل پدیده‌هایی چون فنا، قوس نزول و صعود ناتوان است؛ زیرا حرکت جوهری حرکت و جنبش در طبیعت را تفسیر می‌کند، واز ورود به مجرد و بالاتر باز می‌ماند.

عارف بزرگ اسلامی شیخ محی الدین ابن عربی با مطرح کردن آموزه‌ی «حرکت حَبّی» انقلابی در فهم هستی و تحلیل آفرینش ایجاد کرد. کاوش در نسبت حرکت حَبّی و انسان کامل گره از برخی پیچیدگی‌های معرفت علمی خواهد گشود. انسان کامل و جامع واسطه تکاپوی حَبّی در گستره هستی بوده؛ و در یک یک تبادلات نقش و ظهور دارد.

سوال‌های تحقیق

- ۱- حرکت از دید گاه ملا صدرا وابن عربی چیست؟
- ۲- مراد از حرکت جوهری و تفاوت آن با حرکت دفعی و کون و فساد چیست؟
- ۳- مراد از حرکت حَبّی چیست؟
- ۴- ادله ملا صدرا در باره حرکت جوهری چیست؟
- ۵- امتیاز حرکت حَبّی بر حرکت جوهری چیست؟

فرضیه‌ها

ملاصدرا و ابن عربی هر دو معتقد به تحول در جوهر و عرض هستند. اما ملاصدرا این دگرگونی را ناشی از تحول نهادی و سیلان جوهری ماده می‌داند؛ و ابن عربی فراتر از این، ناشی از تجلّی پیوسته حضرت حق می‌داند.

حرکت جوهری تغییری است که در ذات و جوهره‌ی اشیاء روی می‌دهد، تغییر هم شامل تغییر دفعی و هم تغییر تدریجی می‌شود. تغییر دفعی یا کون و فساد، حرکت نیست، بلکه تغییر تدریجی حرکت است.

حرکت حَبّی سرّیان عشق در هستی است که براساس حبّ الهی به ذاتش که سبب ظهور و تجلّی اسماء و صفات در عالم، و حرکت در دو قوس نزول و صعود است.

ادله‌ی ملاصدرا بر اثبات حرکت جوهری، بر اساس عقل و نقل است. هم برهانی و هم شهودی و عرفانی است.

حرکت حَبّی و حرکت جوهری هر دو از جوهر نشأت می‌گیرد: اولی از جوهر ازلی و غایی و دیگری از جوهر مادی.

رابطه و نسبتی که فلسفه صدرا میان جوهر و عرض قائل است در بینش عرفانی محی الدین میان حق و تمام خلق بر قرار است.

پیشینه‌ی تحقیق

تحلیل حرکت در فلسفه و عرفان، از یک سو و نارسایی تفاسیر ارائه شده از دیگر سو، ضرورت و باز شناسی و باز کاوی آن را دو چندان ساخته و این کمبود، اذهان جستجوگر را به خویش معطوف داشته است.

در باب حرکت جوهری، و تفاوت آن با حرکت در اعراض، و کون و فساد، مقاله‌ها و کتب متعددی وجود دارد و اغلب فلاسفه بعد از صدرالمتألهین حرکت در جوهر را پذیرفته و آن را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. غیر از آثاری که خود بر این موضوع داشته‌اند، شروح متعددی نیز بر کتب ملاصدرا از جمله بر اسفار اربعه - از معروف ترین آثار ملاصدرا - نگاشته‌اند.

از جمله فلاسفه‌ی معروف معاصر می‌توان به علامه طباطبایی و کتب "نهایه الحکمه" و "اصول فلسفه" وی و هم چنین آموزش فلسفه استاد مصباح یزدی اشاره کرد. در باب حرکت حَبّی عرفای بعد از ابن عربی به نقد عرفان نظری او پرداخته‌اند که از آثار عرفانی مشهور می‌توان از شرح داوود قیصری و شرح خوارزمی برفصوص الحکم نام برد و از کتب معاصر می‌توان به کتب سعید رحیمیان از جمله کتب "آفرینش از منظر عرفان" و "تجلی و ظهور در عرفان نظری" اشاره کرد که در باب حرکت حَبّی مطالبی را بیان کرده است.

اما در باره‌ی حرکت حَبّی و مقایسه آن با حرکت جوهری صدرا و به طور کلی تحلیل حرکت در فلسفه و عرفان، کار چندانی انجام نشده و جز چند کتاب معدود و مقاله چیزی نگاشته نشده است.

خلاصه فصول

این تحقیق شامل سه فصل است؛ در فصل اول که کلیات در آن بحث می‌شود حرکت و اقسام آن، در فصل دوم حرکت جوهری و در فصل سوم حرکت حَبّی ارائه می‌شود.

فصل اول: در ابتدا مروری مختصر به زندگانی ملاصدرا و ابن عربی داشته و بعد وارد مبحث حرکت می‌شویم. به طور اجمال به جایگاه حرکت و منشأ آن اشاره ایی می‌شود. سپس اقسام تغییر، از تغییر تدریجی و دفعی و بعد قوه و فعل را که اساس بحث حرکت است، تعریف می‌شود. ماهیت حرکت و سیر تاریخی آن از دوران باستان تا دوره ملاصدرا و اقسام حرکت و تعاریف آن‌ها، و در انتها غایت حرکت مطرح می‌شود.

فصل دوم: عنوان این فصل حرکت جوهری است ابتدا به تعریف و ماهیت جوهر پرداخته سپس تعریفی از حرکت جوهری ارائه می‌شود؛ و به پیشینه مختصری از حرکت جوهری اشاره می‌شود. دلایل اثبات حرکت جوهری و شبهاتی که فلاسفه مطرح کرده‌اند و پاسخ‌های ملاصدرا که به منکران حرکت در جوهر داده است؛ بررسی می‌شود و در انتها نتایج فلسفی مبتنی بر حرکت جوهری بیان می‌شود.

فصل سوم: عنوان این فصل حرکت حَبّی است در این فصل ابتدا تعریف حرکت از دیدگاه عرفا بیان می‌شود و دیدگاه ابن عربی در مورد حرکت حَبّی بیان شده و مراحل حرکت حَبّی در دو قوس صعود و نزول، و تنزل انسان کامل در قوس نزول تعریف می‌شود. انسان کامل و نمونه‌ی آن در عصر حاضر و هم چنین حدیث قدسی کتبی را که بیانگر آفرینش عالم بر اساس حَبّ خداوند به ذاتش و اسماء و صفاتش است؛ مطرح می‌شود.

جمع بندی و نتیجه نهایی: در این قسمت حرکت جوهری را از دیدگاهی دیگر غیر از دیدگاه ارسطو بررسی می‌کنیم و تشابهاتی که این جنبه از حرکت با حرکت حَبّی دارد بررسی شده و در انتها مختصراً امتیازاتی که حرکت حَبّی بر حرکت جوهری دارد بررسی می‌شود.

فصل اول

کلیات

مقدمه

از جمله مباحثی که از قدیم مطرح بوده، بحث از حرکت است. در این باره عقاید گوناگونی بیان شده است. برخی بر وجود حرکت اصرار ورزیده و تغییرات مداوم در جهان را دلیل بر وجود آن دانسته‌اند. برخی دیگر، بر ثبات و سکون عالم تأکید نموده و هر نوع دگرگونی تدریجی را نفی کرده‌اند. گروهی نیز بوده‌اند که وجود حرکت را پذیرفته و در عین حال، سکون و تغییرات دفعی را نیز انکار نکرده‌اند.

تأمل بر حوادث و رویدادهای جهان خارج این پرسش را به وجود می‌آورد که اگر حرکتی در جهان رخ نمی‌دهد، پس تغییرات مشهود عالم چگونه قابل توجیه و تفسیر است؟ زیرا همگان به خوبی می‌دانیم که شب‌ها از پی روزها می‌آیند، رودی به سوی سرازیری در جریان است، کودکی جوان می‌شود و جوانی، پیر و کهنسال می‌شود و سرانجام می‌میرد. اگر حرکت وجود ندارد، این همه تغییر و تحول چگونه است؟ اگر حرکت وجود دارد، پس انکار آن از سوی برخی از فیلسوفان چگونه تفسیر می‌شود؟ آیا می‌شود همه این اختلافات را ناشی از تصورات متفاوت ما از حرکت دانست؟ برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها لازم است، به تعریف و یا تعاریف حرکت توجه نماییم تا از این رهگذر تصویری از حرکت به دست آوریم. ولی ابتداً بحث کلیات را با مروری گذرا بر زندگی صدرالمتألهین شیرازی فیلسوف بزرگ قرن دهم و نظریه پرداز حرکت جوهری وهم چنین شیخ اکبرمحمی الدین ابن عربی عارف نامی قرن ششم و نظریه پرداز حرکت حیّی آغاز می‌کنیم و در ادامه ماهیت حرکت و اقسام آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.